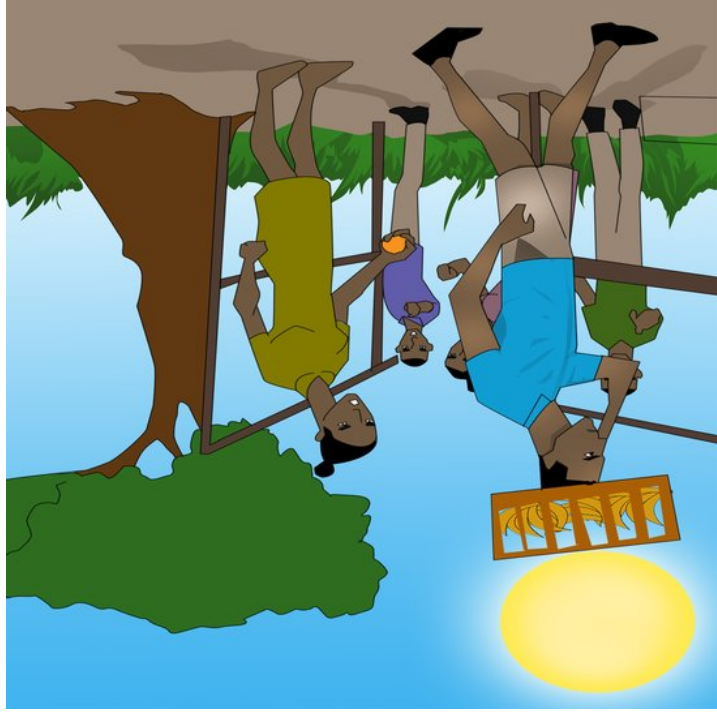


تاج، فرۆشده ی موز



✎ Humpheys Odunga

📧 Zablon Alex Ngu

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi

🗨️ persisk

📊 niva 2

Barnebokker for Norge

تاج، فرۆشده ی موز

barnebokker.no

Skrevet av: Humpheys Odunga

Illustrert av: Zablon Alex Ngu

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook (africanstorybook.org) og er videreformidlet av Barnebokker for Norge (barnebokker.no), som tilbyr barnebokker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons

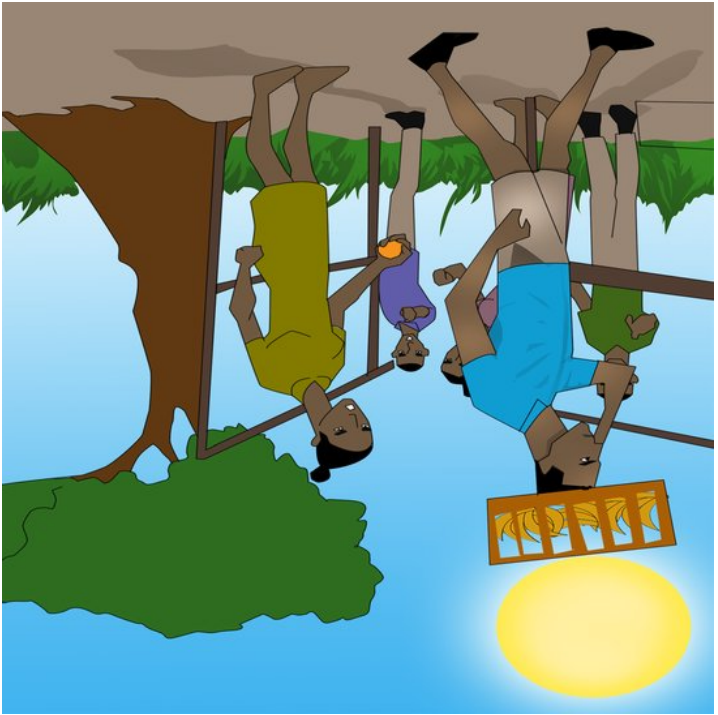
[Navngivelse 4.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.no)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.no>



تام یک صندوق موزهای رسیده با خود حمل
می‌کرد.

تا م به قشورگا رفه كه موزها را بفروشند



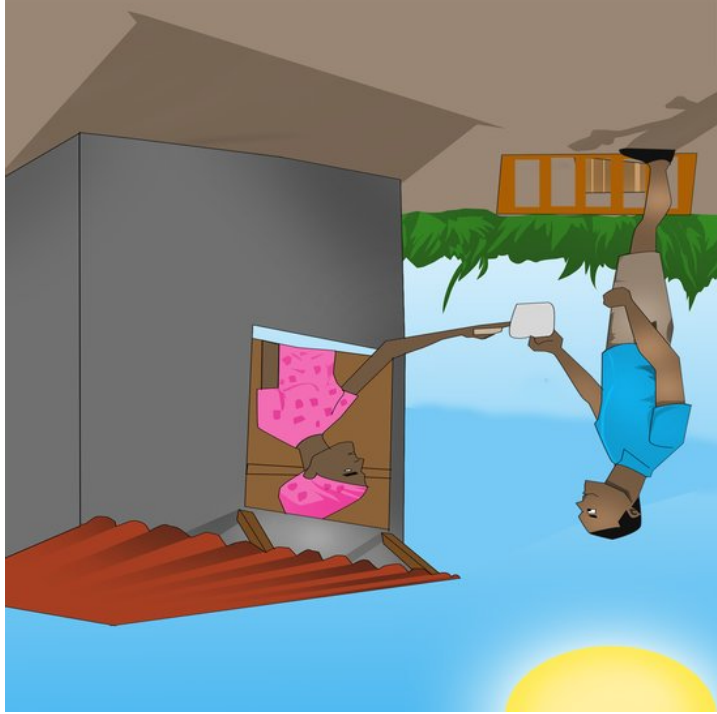


مردم در فروشگاه در حال خریدن میوه بودند.



تام صندوق را روی سرش قرار داد و به خانه رفت.

صندوقش گذاشت.
تاس صاحبان، بشکر و نان خرید، او آنها را تر



می دادند که از زن ها میوه بخرند.
ولی هتجکس از موزهای تاس نم خرید. آنها تر جیح





مردم می گفتند در جامعه ی ما، فقط زنها میوه
می فروشند. مردم می پرسیدند، "او چگونه مردی
است؟"



خیلی زود، صندوق خالی شد. تمام پول هایی که به
دست آورده بود را شمرد.

مردم بیشتری به سمت غرفه آمدند. آنها موزهای
تام را خریدند و آنها را خوردند.



“موزهای مرا
ولی تام تسلیم نشد. او صدای
”موزهای من را بخرید“





زنی یک دسته از موزها را از صندوق برداشت. او با دقت به موزها نگاه کرد.



آن زن موزها را خرید.